



۲۰۱۷/۰۹/۰۵



احسان الله مایار

## صفحه ای از گزارشات میهن ما

به هر در دویدم تا در راه آزادی و نجات میهن عزیز خود خدمتی کرده باشیم، لیک بهر سو رو کردیم مایوس بر گشتیم و بهمان وضع سر در گم قرار گرفتیم که در آغاز بودیم. چند روز قبل به سراغ اثرم "قیام ملت افغان" رفتم تا در طبع مجدد آن سر و صورت آنرا دست بزنم و در ضمن مرور یاد داشتی از سال ۱۹۸۹م نظرم را به خود جلب کرد که فکر می کنم به کسانی که علاقه به مطالعه رویداد های واقعی در رابطه به قضایای میهن مشترک ما دارند احتمالاً جالب باشد. اینک گم ما و گرم شما:

۱-۱-۱۹۸۹

چون جبهه نجات ملی افغانستان مرا در زمره بیست نفر به حیث نماینده تعیین کرده بود، به ساعت نه صبح جهت اشتراک در اجلاس در کمپ بپو که مربوط به مرکز اداری و نظامی عبدالرسول سیاف است و تقریباً در بیست کیلو متری جنوب پشاور قرار دارد حاضر شدم. رهبران جهاد یکی بعد دیگر در اطاق جداگانه حاضر شدند، تنها مولوی خالص معاون خود حاجی دین محمد را تعیین و به مجلس فرستاده بود. ما نمایندگان در صحن حویلی منتظر قدم بعدی بودیم. بعد از يك ساعت، رهبران در حلقه نمایندگان، که در روی چمن به چوکها نشسته و انتظار می کشیدند، شامل شدند و حضرت صبغت الله مجددی جلسه را آغاز کرده و گفت: تعداد اشخاص شورای مشورتی را، که از بین آنها اعضای حکومت مؤقت انتخاب می شود، به تعداد ۱۴۴۰ نفر در کتگوری های ذیل پیشنهاد می کند:

قوماندانان ۶۳۰ نفر

معززین اقوام ۲۱۰ نفر

اهل خبره ۱۰۵ نفر

از تنظیمها در پاکستان: ۳۱۵ نفر

از تنظیمها در ایران: ۱۸۰ نفر

جمعاً ۱۴۴۰ نفر

شورای منتخب حکومت مؤقت و زعيم آنرا برای يك سال تعیین می کند.

بعداً گلبدین حکمتیار بیانیه ای داده گفت:

امروز به ما امانت بزرگی سپرده شده و باید از خود رفع مسئولیت نمائیم. اگر هفت تنظیم می توانست کاری انجام بدهد باین حالت دشوار رو برو نمی شدیم. حکمتیار پیشنهاد کرد که اگر بنا بر دلایلی انجام انتخابات در داخل افغانستان امکان پذیر نباشد بهتر است که در مرحله اول در داخل کمپ های مهاجرین انتخابات آزاد صورت بگیرد و يك شورای انتخابی به وجود آید و از این طریق شورای مذکور بتواند زعيم و حکومت موقت آینده را انتخاب کند. وی اضافه کرد ما هفت نفر کاندید که رهبران جهاد می باشیم و آماده قبول این وظیفه تاریخی نیز هستیم، پس بیایید داخل میدان مبارزه سیاسی شویم و يك نفر را توسط انتخابات تعیین نمائیم. همچنان برای مهاجرین افغانی در ایران حق داده شود که در این انتخابات سهم بگیرند.

وی اضافه کرد اگر انتخابات شده نمی تواند پیشنهاد میکند که حکومت موقت موجود را با ایزاد چند نفر دیگر تکمیل نمائیم. رهبران شش گانه می توانند که در این حکومت از طریق نمایندگان خود سهم باشند اما خودش در حکومت سهم نمی گیرد بلکه بحیث حزب سیاسی حق خود را برای آینده محفوظ میدارد.

سپس پیر سید احمد گیلانی بیانیۀ مختصر داده گفت: بنابر ضرورت و ایجاب وقت به تکمیل حکومت موقت موجوده موافقت دارم و انتخابات را برای آینده موکول می نمایم.

انتخابات برای حل مشکل کشور میخوام و دیموکراسی اروپایی را رد می کنم و در شورای آینده صرف برای ارکان اسلامی دروازه باز است و تدویر شورای حل و عقد را که بر مبنای اسلام استوار است تائید و تاکید می نمایم. علاوه بر آن انتخابات داخل کمپها را رد می کنم، شورا و تعداد اعضای آن باید تنها و تنها از جانب رهبران تعیین گردد.

نوبت به مولوی محمد نبی محمدی رسید گفت: ده سال است که در باره انتخابات سخن می زنیم و در عمل کاری نمی کنیم. من پیشنهاد می کنم که علی الفور در مورد تدویر شورای حل و عقد کار و اقدام شود. (حکمتیار مداخله کرده و سر و صدای شان در باره چگونگی انتخابات بالا شد).

محمدی علاوه کرد که با روند انتخابات در پاکستان مخالف است و باید در وضع کنونی افغانستان راه عملی و کوتاه سنجیده شود و این راه تدویر شورای حل و عقد است.

برهان الدین ربانی رشته سخن را به دست گرفته گفت: چون نوبت دوره ریاست وی در اتحاد خاتمه یافته از همه خدا حافظی میکند و موفقیت حضرت مجددی که نوبتش رسیده آرزو میکند. و علاوه کرد که نظر خود را که به اساسات ذیل استوار است چنین بیان می دارد:

- رضای خداوند و مخلوقش
- تامین حاکمیت اسلام در افغانستان و رد نظام سکولاریستی یا علمانی و غیر اسلامی
- تامین وحدت ملی در افغانستان
- تمامیت ارضی کشور – تحت هر نام باید از تجزیه آن جلوگیری شود
- تامین امنیت در افغانستان – دولت نیرومندی که در سنگر ها قدرت داشته باشد تا از انارشیزم جلوگیری کرده بتواند.

- تامین عدالت در سراسر کشور بدون تبعیض و امتیاز  
و اضافه کرد که در پرنسیپ با شورا موافقه دارم اما نه با جدال لفظی، شورای حل و عقد سالم ترین شکل يك شورا است و از اینرو وی از تدویر شورای حل و عقد بر مبنای انتخابات آزاد طرفداری میکند.

چون وقت کافی برای انتخابات نداریم پس نظر میدهم اعضای شورای حل و عقد توسط کمیسیونی از بین همه طوائف، قوماندانان، مشران و علما، افغانهای اهل دانش و فکر از اروپا، امریکا شرق میانه نمایندگان را تعیین کند و در تدویر شورای متذکر اقدام نماید.

بعد از بیانیۀ ربانی، عبدالرب سیاف اظهار داشت:

تا جائیکه در گذشته دیده شده و همه شاهد آنیم، ما رهبران قدرت آنرا داریم تا در موارد خاص فیصله صادر کنیم اما مشکل ما در این است که توان حفظ و عملی کردن آنرا نداریم. سیاف پیش رفته گفت: من همین حال حاضرم به هر شخصیکه از بین هفت نفر انتخاب گردد موافقه نمایم تا کاندید ما برای انتخابات در چوکات تدویر شورای حل و عقد در آینده باشد.

سیاف اظهار داشت که: مشکل ما در آن است که چی کسی صلاحیت دارد تا شورای حل و عقد را دائر نماید، زیرا ما امیر و یا رئیس دولت نداریم که صلاحیت تدویر چنین اجلاسی را داشته باشد. از اینرو ما هفت نفر مشران جهادی باید بین خود يك نفر را تعیین کنیم و به وی صلاحیت بدهیم تا حکومت موقت را تشکیل کند و پس از بدست آوردن این مشروعیت شورای حل و عقد را دعوت کند. اما باید تصریح نمود که تنها و تنها مجاهدین اجازه دارند حکومت را تشکیل کنند و دیگران حق شمول در آن را ندارند.

حوالی ۱۱،۳۰ قبل از ظهر جنرال حمیدگل، رئیس استخبارات نظامی، بر گیدیر یوسف و کرنیل پاچا مسئولین مستقیم عملیات در افغانستان با دبدبه و سر و صدا حاضر شدند و رهبران در برنده با کرنش و خم و چم از آنها پذیرایی کردند.

حضرت صبغت الله مجددی حمید گل و اعضای معیتی اش را برای مدعوین معرفی کرد حمید گل به اردو صحبت خود را آغاز کرد که کرنیل پاچا آنرا به پشتو ترجمه می کرد.

در آغاز صحبت خود جنرال گفت که من به نمایندگی از حکومت نیآمده ام بلکه به حیث يك برادر و همکار آمده ام، زیرا من نه کدام لیدر سیاسی هستم و نه جهادی بلکه يك سپاهی ساده می باشم که از يك سال و نه ماه به اینطرف در خدمت جهاد مردم افغانستان هستم و انجام این وظیفه را عبادت کار خود می دانم و لیکن متأسفانه ما اشتباهات کرده ایم که آنرا بشما تعریف می کنم. زمانیکه برای ما اسلحه می رسید ما ساز و برگ نظامی را به روی يك فیصدی تعیین کرده و بین تنظیم ها و احزاب افغانی توزیع می کردیم و به این ترتیب که به یکی زیاد میرسید و به دیگری کمتر بین رهبران اختلاف پیدا شده و اتحاد ها از بین میرفت. ما تصمیم گرفتیم که به قوماندانان داخل کشور مستقیماً کمک نمائیم، زیرا آنها کسانی هستند که جنگ را متحمل می شوند نه رهبران و نزد من تفاوت بین قوماندان بزرگ و کوچک وجود ندارد بلکه محک اصلی موفقیت شان در جهاد بود و ما سلاح را در جبهه برایشان می رساندیم. نزد من پشتیبانی از کدام سیاست مطرح نبود، زیرا مردم افغانستان باید سیاست آینده خود را در نظر داشته و در باره تصمیم بگیرند.

حمید گل پیش رفته گفت: نزد من و در شریعت دو حزب وجود دارد که عبارت از حزب الله و حزب شیطان است و بس و نظرم چنین است که زمانیکه حکومت نجیب و پارتی وی از بین می رود هفت تنظیم صلاحیت دارد که به اتفاق هم جانشین رژیم کمونیستی در کابل شوند. وی به صراحت گفت که پاکستان نمی خواهد در امور داخلی کشور تان مداخله کند بلکه پالیسی ما طوریتست که خود شما برای آیندۀ تان تصمیم بگیرید و نگذارید که مردم بگویند که پاکستان بر شما اعمال نفوذ کرده و شما را به قدرت رسانیده است.

بعد از آن گفت: چه گونه حکومت باید ساخته شود؟ حکومت موقت موجوده طوریکه دیده میشود مطابق به میل مردم نمی باشد از اینرو تا امروز کاری انجام نداده است که به نفع مردم افغانستان تمام شود و تمسخر کنان به رهبران اشاره کرده گفت:

"ما دیدیم که این هفت رهبر قادر نیستند که حکومتی را به وجود آورند و یا به يك توافق سالم برسند من این هفت نفر را توصیه کردم، از آنها خواهش کردم و حتی آنها را توبیخ کردم که هر چه زود تر يك اتحاد سرتاسری و واقعاً مخلصانه را بوجود آورند و از این اتحاد شورا را انتخاب و حکومت موقت را اعلام بدارند تا از این طریق يك راه حل سالم سیاسی برای افغانستان پیدا شده بتواند، اما اینها به فکر قدرت خود هستند و تا امروز ناکام مانده اند. " از اینرو شما را دعوت کردیم تا این وظیفه را به عهده بگیرید و راه حل پیدا کنید، صرف خدا را بالای سرتان حاضر ببینید، حزب و تنظیم را از نظر دور اندازید، صرف ضمیر و افغانستان را در نظر داشته باشید و برایتان می گویم، اگر شما موفق نشدید وضع افغانستان به تباہی می کشد و مهاجرین افغان به حال رقتبار به جای خود باقی می مانند.

وی اضافه کرد که: فیصله تان ضرور نیست که به اتفاق آراء صورت گیرد بلکه يك اکثریت ساده کفایت می کند و در چگونگی انتخابات شریعت را داخل نکنید، زیرا اگر پای شریعت را داخل نمائید در باره شرعی بودن انتخابات کارتان به بحث می گذرد. اگر انتخابات شرعی هم نباشد آنرا انجام دهید تا يك حکومت اسلامی را به وجود آورد، این مطلب اصلی ما است. شما روس ها را گفته نمی توانید که انتظار باشید تا ما انتخابات را در چوکات شریعت انجام می دهیم. شما باید حکومتی با قاعده وسیع را از طریق انتخاب يك دولت اسلامی به وجود آورید و با انجام این وظیفه مسئولیت اسلامی و ملی خود را تکمیل کنید.

در اخیر حمید گل اظهار داشت که: از همین لحظه صلاحیت رهبران به شما انتقال یافته و این صلاحیت با نامه به شما تفویض می شود.

بعد از ارائه مطالب بالا خودش با رهبران برای صرف طعام و ترتیب مکتوب انتقال صلاحیت به اطاق بالا رفت و ما در اطاق پائین به دور خوان نشستیم و به حال زار کشور خود می اندیشیدیم.

در حوالی ساعت ۲،۰۰ بعد از ظهر حضرت صبغت الله مجددی به اطاق آمده و از روی صفحه کاغذ با محتوی مطلب ذیل را قرائت نمود:

اول جنوری ۱۹۸۹: ( اصل فیصله نامه به لسان پشتو نوشته شده بود).

- نمایندگان صلاحیت دارند جهت ساختمان شورای موقت طرحی ترتیب و آنرا طوری تصویب کنند که از هر تنظیم و حزب شش شش نفر به حیث يك کمیسیون کار در آن نفر شامل باشند.

- انتخابات به تاریخ ۲۷ اگست ۱۹۸۹ در نظر گرفته شود و نمایندگان در باره تقسیم اوقات و چگونگی انتخابات نظر خود را توضیح بدارند.

- در باره ساختار حکومت عبوری تجویز اتخاذ نموده تصمیم بگیرند. و در اخیر تذکر داده شده ( متن پشتوی آن یاد داشت میشود):

هره طرحه چی مشترکه اجرائیوی شورا په اکثریت سره تصویب او وړاندی کوی د قیادی شورا له خوا په پوره اطمینان قابل قبول و په عملی کیدو کی مکلف دی.

اجندا و ترتیب آن که از طرف حضرت مجددی قرائت شد، که مورد قبول اکثریت قرار گرفت.

قبل از آنکه مجلس خاتمه یابد نمایندگان و شورای حاضر معرفی شدند آنها عبارت اند:

اول: اعضای مربوط به اتحاد اسلامی (سیاف)

- |   |                          |                       |
|---|--------------------------|-----------------------|
| ۱- انجنیر احمد شاه احمدزی                   | ۲- استاد سیاف            | ۳- مولوی کشاف         |
| ۴- مولوی محمد میر                           | ۵- حاجی آغا              | ۶- مولوی ارسلا روحانی |
| ۷- جگرن گل زرك                              | ۸- حاجی دوران            | ۹- قاضی عبدالباری     |
| ۱۰- سید نور محمد شاه                        | ۱۱- استاد اکبر           | ۱۲- مولوی فیاض        |
| ۱۳- استاد سید عمر                           | ۱۴- یاسر                 | ۱۵- حاجی سید محمد     |
| ۱۶- مولوی عبدالقدوس                         | ۱۷- شیر علم              | ۱۸- معلم عبدالحمید    |
| ۱۹- حاجی رسول منگل (اسم مستعار انجنیر بشیر) | ۲۰- وکیل باز محمد زرمتمی |                       |

دوم: حرکت انقلاب اسلامی (محمدی)

- |                        |                           |                       |
|------------------------|---------------------------|-----------------------|
| ۱- مولوی محمد شاه فضلی | ۲- صاحبزاده حجت الله      | ۳- ملتان              |
| ۴- مولوی عبدالظاهر     | ۵- لعل محمد وردگ          | ۶- مولوی فیض محمد     |
| ۷- مولوی فیض الباری    | ۸- حاجی زلمی محمدی        | ۹- منشی گلبدین        |
| ۱۰- وکیل شهباز احمدزی  | ۱۱- جنرال محمد یحیی نوروز | ۱۲- دگرمن خلیل        |
| ۱۳- حاجی محمد اکبر     | ۱۴- میرزا محمد افضل       | ۱۵- میرزمان           |
| ۱۶- مولوی اخندزاده     | ۱۷- داکتر عزیزالله لودین  | ۱۸- محمد اسمعیل صدیقی |
| ۱۹- گلی اخندزاده       | ۲۰- محمد رفیق صاحبزاده    |                       |

سوم: جمعیت اسلامی (ربانی)

- |                      |                      |                      |
|----------------------|----------------------|----------------------|
| ۲- برهان الدین ربانی | ۲- سید نور الله عماد | ۳- استاد سایف        |
| ۴- استاد شاداب       | ۵- داکتر نجیب لفرانی | ۶- مولوی حکیم        |
| ۷- مولوی حمدالله     | ۸- محمد صدیق چکری    | ۹- محمد اسمعیل شریفی |
| ۱۰- داکتر نقیب الله  | ۱۱- انجنیر ایوب      | ۱۲- مولوی میر حمزه   |
| ۱۳- سخیداد فائز      | ۱۴- قاری نصر الله    | ۱۵- دگروال شهزاده    |
| ۱۶- مولوی محمد شاه   | ۱۷- محمد حسن کریمی   | ۱۸- صوفی قربان       |
| ۱۹- مخدوم شفیع       | ۲۰- داکتر عبدالحی    |                      |

چارم: محاذ ملی (گیلانی)

- |                     |                        |                     |
|---------------------|------------------------|---------------------|
| ۱- سید حامد گیلانی  | ۲- داکتر فاروق اعظم    | ۳- دگروال رحیم وردگ |
| ۴- صدیق سلجوقی      | ۵- انجنیر محمد اکرم    | ۶- دین محمد گران    |
| ۷- مولوی محمد قاسم  | ۸- مولوی امیرزاده      | ۹- محمد عمر ببرکزی  |
| ۱۰- محمد صدیق مہمند | ۱۱- محمد یعقوب روشن    | ۱۲- محمد ایوب اصیل  |
| ۱۳- مولوی محمد هلال | ۱۴- سید ابراهیم گیلانی | ۱۵- عبدالستار صدیقی |
| ۱۶- رحمت الله صافی  | ۱۷- مولوی رئیس منگل    | ۱۸- مولوی فضل الله  |
| ۱۹- سید محمد آغا    | ۲۰- عبألرحیم           |                     |

پنجم: جبهه نجات ملی (مجددی)

- ۱- مولوی صاحبزاده  
۲- مولوی فضل هادی شینواری ۳- مولوی خان بهادر  
۴- مولوی شمس الله  
۵- سید اسحق گیلانی ۶- عبدالرحمن ضبطو  
۷- محمد گلاب ننگر هاری  
۸- مولوی طاهر صدیقی ۹- مولوی حامد صوفی جان  
۱۰- وکیل سلیمان یاری  
۱۱- حامد کرزی ۱۲- نجیب الله مجددی  
۱۳- مولوی شمس الحق مهرزاد ۱۴- سید مخدوم رهین ۱۵- محمد گل روحانی  
۱۶- فضل مجددی ۱۷- ذبیح الله مجددی ۱۸- جگرن خان محمد  
۱۹- جگرن محمد شریف ۲۰- انجنیر احسان الله مایار  
(حزب اسلامی مولوی خالص و حکمتیار در آینده نمایندگان خود را معرفی می کنند)

۲-۱-۱۹۸۹) ۹ صبح در پیو

در آغاز اختلاف بین دو گروه ملیگرا و اخوانیها پیدا شد، ما در نظر داشتیم که به روی آجندا مطروحه، طوریکه دیروز بر آن موافقه شده بود مذاکرات را آغاز نمائیم، اما سید نور الله عماد پیشنهاد کرد تا تغییرات در ترتیب اجندا وارد شود و به عوض شکل انتخابات بحث بالای حکومت مؤقت صورت بگیرد. بعد از قال و مقال موضوع به رأی گیری گذاشته شد و در نتیجه اخوانی ها با دادن ۵۹ رأی حاضر در مجلس اکثریت را به دست آورده و اجندا را تغییر دادند. بعد از آن چند نفر از احزاب بنیاد گرا پیشنهاد کردند که حکومت ایجاب بحث را نمی کند زیرا حکومت عبوری احمد شاه احمدزی وجود دارد و باید بر آن رأی گیری شود. این بازی اخوانیها که يك نوع تفتین بود صدای ما طرفداران حکومت مؤقت جدید را بالا کرده و تهدید نمودیم که مجلس را ترك می کنیم. بعد از چند دقیقه کرنیل پاچا به مجلس آمد (معلوم است کسی برایش پیغام داده بود) و با خشونت مجلس را خطاب کرد: اگر شماها هم لیاقت اجرای این کار را ندارید، بهتر است که بار تان را بسته کنید و پشت کار تان بروید. من این ناکامی تانرا به خبرنگاران ابلاغ میدارم. همه سکوت نموده و کس یاری جواب دادن را نداشت. اما چند لحظه نگذشته بود که يك نفر بنام مولوی ارسلا (حرکت انقلاب اسلامی) با عصبانیت از جایش بلند شده و کرنیل پاچا را مخاطب قرار داده گفت: " این همه ناکامی زاده منافقت های حکومت پاکستان و شما ها ست و حق ندارید که بر مردم مجاهد افغان تهمت ببندید و يك گرد هم آئی پر تمکین را بی حیثیت گردانید". کرنیل پاچا صرف گفت: " من و تو با هم بعداً می بنیم". از فردای آن روز دیگر چهره مولوی ارسلا را ندیدیم. بار دیگر برای ما ثابت شد که نزد اینها ما نه حیثیت داریم و نه حائز مقام می باشیم، اما دلچسپ است که مخالفت پاکستانی ها بیشتر متوجه تند رو های اسلامی و اخوانی ها هست.

۳- ۱- ۱۹۸۹ مطابق به ۱۳ جدی ۱۳۶۷ ه ش

مجلس ساعت ۱۰،۰۰ صبح آغاز شد.

ابتدا در باره تعیین رئیس و منشی صحبت های متفرق صورت گرفت که بعد از جر و بحث طولانی مولوی محمد شاه فضلی به حیث رئیس و نورالله عماد به حیث منشی تعیین شدند. بعداً چند نفر نوبت گرفتند و به صحبت آغاز کردند.



سخیاد فائز: حکومت عبوری موجوده را تحت ریاست احمدشاه احمد زی تائید می کند، اما باید با ایزاد چند نفر تکمیل شود.

مولوی لعل محمد وردگ: شورای حل و عقد را تائید کرده و اضافه کرد که تباہی برای تغییر اجندا به منظور نگهداری حکومت عبوری احمدزی صورت گرفته که وی آنرا رد می کند و همچنان کسانی را که از آمدن ظاهر شاه در این جریان طرفداری میکند محکوم کرده، نظر شان را رد می کند.

ذبیح الله مجددی: در باره چگونگی این اجلاس صحبت کرد و گفت که ما دعوت شدیم تا در چوکات سه ماده اجندا تصمیم بگیریم. در اجندا برای حکومت آینده هدف ما حکومت احمدزی نمی باشد بل حکومت مؤقت خاص دیگری می باشد. از اینرو باید ما در باره چگونگی شورا صحبت کنیم نه در باره حکومت احمدزی.

حاجی اکبر: گفت: که وی در وضع کنونی از يك شورای انتصابی طرفداری می کند که باید هر چه زودتر کمیسیونی تعیین شود تا کار خود را روی دست گیرد.

مولوی فضل هادی شینواری، شورای اهل حل و عقد را به وجود آوریم تا در باره آینده کشور تصمیم بگیرد. دکتر محمد انور (حزب اسلامی حکمتیار): حکومت عبوری از جانب هفت تنظیم ساخته شده و باید تائید شود. مولوی امین الله حلیم (حزب اسلامی حکمتیار) - از حکومت عبوری موجوده طرفداری می کند و باز گشت کسانی که غرق در شراب و کباب هستند به شدت رد میکند.

سید نور محمد شاه (حزب سیاف): تائید حکومت موجوده و تقاضای تکمیل آن.

جگر گل زرك: اختلافات ما باعث تباہی آینده مملکت ما خواهد شد و این پروگرام روسها است که در بین ما نفاق بیاندازد تا يك دیگر را از بین ببریم. بهتر است جاده تورخم - جلال آباد را باز کنیم و به قوماندانان مربوط تان امر کنید که بالای شهر کابل حمله نکنند و مردم را با قحطی محکوم به تباہی نسازند.

دکتر نجیب مجددی: اعتراض کرد که از اجندا خارج شدیم. حکومت موجوده مشروعیت ندارد و باید از بین برود و هر چه زودتر شورای اهل حل و عقد دائر گردد تا حکومت مشروع به وجود آید.

مولوی امین الله حلیم: همیشه در جائیکه رهبران شريك نباشند با هر فیصله مخالفت می کنند، از اینرو باید ایشان در آینده حکومتداری شريك باشند تا اختلافات شان از بین برود.

(در جلسه امروزی اعضای مهم محاذ ملی حاضر نبودند)

حوالی ۱۲،۰۰۰ روز صدیق سلجوقی به مجلس حاضر شد و از رئیس مجلس خواست تا نامه سید احمد گیلانی، رهبر محاذ ملی افغانستان رت در مجلس قرائت کند.

سلجوقی اعتراض نامه محاذ ملی را قرائت کرد. در متن این نامه توضیح شده بود که در آجندای اجلاس مغایر فیصله روز اول تعدیل وارد شده که نمایندگان محاذ آنرا رد نموده بودند.

چون اجلاس به روی اجندای تعدیل شده بحث می کند نمایندگان محاذ بر سیل اعتراض دسته جمعی مجلس را ترك می کنند. این جمله را خوانده نمایندگان محاذ از جا بر خاستند و مجلس را ترك کردند.

از برهم خوردن مجلس ماها خوش شدیم و اما بر اخوانی ها گوئی غضب خداوند نازل شده مات مبهوت در جاهای خود بی حرکت ماندند.

بعد از ظهر حضرت مجددی ضمن مصاحبه با خبر نگاران متلاشی شدن مجلس را به اطلاع عامه رسانید. معلوم است پاکستانی ها این صحنه سازی را به وجود آوردند تا پای اخوانی ها را کوتاه کنند و گر نه در صورتیکه اخوانیها مشروعیت خود را از این اجلاس به دست می آوردند حکومت احمدزی به جای خود می ماند.

شام عبدالرحیم چینزائی به دیدنم آمد و پیغام دکتر محمد یوسف را از آلمان برایم رسانید و هم کاپی مکتوب دکتر محمد یوسف را که برای سید شمس الدین خان مجروح نوشته شده بود، حسب هدایتش برایم داد. اینک چند مطلب مختصری که از آن بیرون نویس شده است، از نظر خوانندگان گذارش مییابد:

....جناب دوست محترم ما آقای حامد صاحب (داکتر عبدالصمد حامد) به پشاور تشریف دارند از اینکه هدف جلالتماب شان و اهداف ما و شما و همه افغانان يك چیز و آنهم نجات افغانستان از شر حکومت کمونیستی کابل و ختم تجاوز نظامی روس و اعاده صلح، امنیت و شریعت محمدی است بناءً علیه در این مرحله خطرناک تاریخ افغانستان همکاری مشترک تمام افغانان ضروری بلکه فرض است.

از جناب شما و تمام دوستانیکه در این آرزومندی شریک اند جداً خواهش می کنم با جناب حامد صاحب همکاری صمیمانه کرده و در راه ایجاد يك فضای سالم برای رسیدن به هدف (آزادی افغانستان) از هیچ نوع کمک و همراهی دریغ نفرمایند تا باشد به اثر يك همکاری صمیمانه و صادقانه وطن و مردم ما از این بدبختی و فلاکت نجات یابند...

به منزل داکتر محمد یوسف تلفون کردم کسی جواب نداد، بعد با دامادش داکتر وحید منصورى تماس گرفتم، معلوم شد که داکتر محمد یوسف در شفاخانه بستر شده است.

پایان یک صفحه از تراژیدی نا تمام